

« زن و مطالعات خانواده »

سال سوم - شماره 9 - پاییز 1389

ص ص 52 - 35

بررسی عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی و فرهنگی دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور «بررسی موردی پیام نور مرکز رشت»

سولماز آوریده¹

محمود علمی²

چکیده

طرح مسأله: افزایش جمعیت و رشد شهرنشینی به عنوان پدیده‌ای فراگیر در یک صد سال اخیر هم کشورهای صنعتی و هم کشورهای در حال توسعه را با چالش‌های جدیدی رو به رو ساخته است. توجه به نقش مشارکت اجتماعی در توانمند سازی انسان‌ها، افزایش بهره‌وری، کاهش مشکلات شهری و تحقق توسعه، مشکلات ناشی از عدم مشارکت و مشارکت محدود در فعالیت‌های اجتماعی شهری در جامعه ایران که در دوران گذار از جامعه سنتی به مدرن است به عنوان یک مسأله اساسی در مدیریت شهری است.

مقاله حاضر بر مبنای پژوهشی تدوین یافته است که در سال 1389 با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی و فرهنگی دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور» انجام گرفت و در آن متغیرهای میزان تحصیلات، احساس تعلق اجتماعی، مشکلات اقتصادی، عضویت در تشکل‌های اجتماعی و فرهنگی به عنوان عمده‌ترین عامل تأثیرگذار در زمینه سازی مشارکت اجتماعی و فرهنگی دانشجویان تحلیل و تبیین گردید.

روش: پژوهش با استفاده از روش‌های اسنادی و پیمایش انجام گرفت، برای جمع‌آوری اطلاعات از تکنیک پرسشنامه که پیش‌آزمایش شده بود، استفاده گردید و پس از تکمیل پرسشنامه، داده‌های گردآوری شده، بر اساس مقیاس‌های اندازه‌گیری متغیرها کدگذاری و با نرم افزار spss پردازش و تجزیه و تحلیل شده‌اند. داده‌های به دست آمده از این پژوهش به صورت آمار توصیفی ارائه گشته و نتایج تحلیل آن در آمار استنباطی با استفاده از آزمون T-test و پیرسون در روش انجام شده است.

1- عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور رشت. E- mail: Avarideh_soolmaz@yahoo-com

2- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز - گروه علوم اجتماعی - تبریز - ایران.

یافته‌ها: بین متغیرهای احساس تعلق اجتماعی و مشکلات اقتصادی و عضویت در تشکلهای و نهادهای اجتماعی و فرهنگی رابطه معناداری مشاهده شده است. اما تأثیر میزان تحصیلات بر مشارکت اجتماعی و فرهنگی دانشجویان دختر همواره قابل تأیید نیست و می‌تواند وجهی سلبی به خود بگیرد و از مشارکت مورد انتظار آنان بکاهد.

نتایج: با کاهش مشکلات اقتصادی میزان مشارکت دانشجویان افزایش چشم‌گیری داشته، افزایش احساس تعلق اجتماعی و عضویت در تشکلهای اجتماعی هم کمک شایانی به میزان مشارکت دانشجویان کرده است. افزایش سطح تحصیلات بر میزان مشارکت دانشجویان تأثیر معناداری نشان نداد. بنابراین تلاش برای اصلاح و تغییر قوانین حاکم بر شئون دختران جامعه تحصیل کرده دانشگاه نسبت به مسأله مشارکت و هم‌چنین کاهش مشکلات اقتصادی و گسترش احساس تعلق اجتماعی، پیش شرط اساسی برای ارتقای مشارکت آنان است.

واژگان کلیدی: مشارکت، مشکلات اقتصادی، احساس تعلق اجتماعی، سطح تحصیلات

مقدمه

مشارکت در حیات اجتماعی انسان دارای سابقه‌ای کهن و دیرینه است. هر چند که در دنیای جدید از دهه 1970 به بعد است که در ادبیات توسعه در قالب رویکردهای مشارکتی مورد توجه واقع می‌شود. در این دوره مفهوم مشارکت به عنوان مؤلفه کلیدی رویکردهای جدید توسعه در ابعاد چندگانه و در عین حال پویا و متحول خود و به عنوان فرایندی عمیق و چند سویه در اشکال غایتی و ابزاری در فرایند توسعه مورد بررسی و کاوش قرار می‌گیرد (غفاری، نیازی 1385: 11)

در واقع امروزه میزان مشارکت زنان، ضمن به چالش کشیدن وضعیت موجود، به سمت هدفی گام بر می‌دارد که ماهیت آن رفع هرگونه شرایط تبعیض آمیز است. این واقعیتی انکار ناپذیر است که در شرایط کنونی جامعه ما، زنان و دختران از نابرابری و تبعیض رنج می‌برند و بسیاری از آنها بدان وضعیت معترض‌اند. واقعیات بسیاری نظیر تفاوت‌های موجود در میزان شاغلان زن و مرد، محدودیت فاحش تعداد زنان در مناصب مدیریتی و شغل‌های سیاسی، درصد پایین زنان دارای تحصیلات عالی در مقابل مردان تحصیل کرده و بسیاری از موارد دیگر، دال بر وجود نابرابری و تبعیض میان زن و مرد است. و این گونه مسائل تبعیض آمیز از میزان مشارکت دختران و زنان تحصیل کرده می‌کاهد (صمدی راد، 1383: 101).

از دیدگاه بسیاری از صاحب نظران توسعه، مشارکت شرط اصلی توسعه است و پیوند وثیقی با درجه صنعتی شدن و توسعه اجتماعی - اقتصادی دارد. از این رو مشارکت یعنی توزیع مساوات و برابری در جامعه تا شهروندان و افرادی که از فرایند اجتماعی و فرهنگی حذف شده‌اند به تدریج قدرت به

تصمیم‌گیری به دست آورده، در تصمیمات شرکت داده شوند. اما فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی مجموعه اقدامات عملی است که به منظور تحقق عملی اهداف و سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی مورد نظر انجام می‌دهند، مانند توجه به مسائل شهری، برنامه ریزی جهت انجام فعالیت‌های فرهنگی، تأسیس بنیادهای اجتماعی و فرهنگی، ایجاد و توسعه امکانات و فضاهای آموزشی و ورزشی و هم چنین تشکیل نهادها و انجمن‌هایی از قبیل، انجمن خیریه، نهادهای مذهبی از قبیل روضه خوانی، سینه زنی و غیره (کوثری، 1379: 138). تحدید قدرت حاکمان و تضمین توسعه در گرو مشارکت شهروندان به صورت تساوی جنسیتی در سرنوشت خود بوده و مشارکت جوانان، قدرت چانه زنی آنان را در قبال قدرت‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری بالا برده، به تبع آن به بار نشستن آرمان‌ها و آمال جوانان را باعث می‌گردد.

دانشجویان به عنوان طالبان علوم مختلف سرمایه هر کشور محسوب شده، نقش مهمی در آینده کشور دارند و سهم آنان در توسعه کشور به خصوص توسعه اجتماعی و فرهنگی امری مسلم و مبرهن است. بدیهی است آگاهی از میزان مشارکت دانشجویان بالاخص دختران در امور و فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی شهر و فرایند تصمیم‌گیری ضروری بوده، از اهمیت شایان برخوردار است از این رو شناخت این عوامل موضوعی است که نیازمند بررسی و تحقیق می‌باشد. تا این که نیازها و مطالبات و برخی عوامل فردی اجتماعی و فرهنگی مؤثر در این امر مشخص ریشه یابی و مورد کالبد شکافی علمی قرار گیرد تا راهکارهای مناسبی برای دستیابی به درک واقع‌گرایانه از کنش‌های افراد و اقشار مختلف ارائه گردد.

هدف اصلی این پژوهش با عنوان «ارائه مکانیسم‌های ارتقای مشارکت دانشجویان دختر در ابعاد فرهنگی و اجتماعی» نشان دادن راهکارهایی است که امکان پویایی تعامل همه جانبه دانشجویان و جوانان جامعه را فراهم آورد. روشن شد که تحقق هدف فوق از طریق مساعد سازی شرایط محیطی و تغییر و اصلاح قوانین حاکم بر شؤون زنان و دختران تحصیل کرده نسبت به موضوع مشارکت میسر خواهد بود.

پیشینه مطالعاتی

توسلی (1380) ارتباط میان میزان مشارکت اجتماعی با انحرافات اجتماعی در ایران را مورد مطالعه قرار داد و به این نتیجه رسید، که احساس سر خوردگی و یا احساس انزوای اجتماعی می‌تواند نتیجه عدم مشارکت اجتماعی باشد. زاهدی (1383) نبود فرصت مساوی برای زنان در آغاز استخدام، شانس کمتر زنان در طی مراتب صعودی پیشرفت در دوران پس از استخدام، حالت بیمارگون مشارکت زنان در سطح مدیریتی در ایران را ناشی از تأخر فرهنگی می‌داند. نتایج مطالعات عفتی (1371) حاکی از آن است که پایگاه اقتصادی و تحصیلات اجتماعی در میزان مشارکت اجتماعی و فرهنگی مؤثر است.

استانداری گلستان (1378) بررسی نگرش زنان شهرستان کردکوی در خصوص مشارکت اجتماعی را به عنوان طرح پژوهشی انجام داده است. یافته‌ها نشان داده‌اند که زنان مورد مطالعه نگرش مثبت به مشارکت اجتماعی دارند و در این رابطه سواد بیش‌ترین تاثیر را بر میزان نگرش دارا می‌باشد و سپس شاغل بودن و زنان مجرد رتبه‌های بعدی را دارند.

صمدی راد (1383) لازمه افزایش مشارکت زنان راه حرکت به سمت نوعی تجدید نظر در مناسبات حقوقی برای حضور زنان در تمامی عرصه‌های زندگی می‌داند.

خلیلی (1386) تقویت و ارتقای نقش زنان در روندهای مشارکت جویانه را در آشنا کردن آن‌ها با بنیان‌های آغازین حقوق جمعی بانوان می‌داند.

هندرسون ترانگ (trang, 2004) در مطالعه‌ای تحت عنوان حدود مشارکت فرهنگی می‌گوید اختلاف در انتظارات و تعلق اجتماعی برای مشارکت فعال مشکل است و دلیلش را در تفاوت فرهنگ‌ها می‌داند.

مبانی نظری

به نظر می‌رسد پدیده توسعه پایدار به مثابه فرایندی که طی آن مردم یک کشور نیازهای خود را برآورده می‌سازد و سطح زندگی خود را ارتقاء می‌بخشند، نمی‌تواند بدون پیوند با زندگانی آیندگان باشد. دلیل اصلی آن محدود بودن امکانات و نامحدود بودن نیازها و خواسته‌های بشر است. منابع مداوم در حال کاهش و نیازهای در حال افزایش باعث تحقق سیاست‌گذاری‌های زیر بنایی برای ایجاد توسعه پایدار گردیده است. آن چه که می‌تواند و می‌بایست تغییرات اساسی در شیوه زندگی ما پدید آورد، شیوه اندیشه‌ای است که بانوان پیشه خود می‌کنند. زیرا آنان نقش بسیار مهمی در اداره امور زندگی بشری یافته‌اند و همان‌ها هستند که می‌توانند مدیریت مصرف جامعه را بر عهده بگیرند و الگوی مصرف را تغییر دهند (آبرامسون، 1383: 1241). پس باید فرصت مشارکت را برای این افراد در جامعه فراهم آورد. هر چند که حمایت از زنان و دختران برای مشارکت و حضور در تمامی صحنه‌ها کمتر صورت واقعی به خود گرفته است.

برای شناخت مبسوط ابعاد نظری فرایند مشارکت اجتماعی و فرهنگی به تعمق نظر در پارادایم واقعیت اجتماعی، تعریف اجتماعی، رفتار اجتماعی و ترکیب ابعاد نظری می‌پردازیم و بحث مشارکت اجتماعی و فرهنگی را در قالب این چهار پارادایم مهم جامعه‌شناسی از دیدگاه جامعه‌شناسان دنبال می‌کنیم.

رویکرد نظری پارادایم واقعیت اجتماعی

در پارادایم واقعیت اجتماعی مشارکت به عنوان واقعیتی اجتماعی در اشکال جمعی، انجمنی، گروهی و نهادی عینیت پیدا می‌کند. از دیدگاه بسیاری از دانشمندان رویکرد ساختی - کارکردی، انسجام

اجتماعی پایه نظم و موجبات فعالیت و مشارکت گسترده افراد جامعه را فراهم می آورد. در این پارادایم نظری این جامعه است که ما را می سازد (نوبل، 200: 15).

ساموئل هانتینگتون کسب منزلت بالای اجتماعی را زمی نه احساس توانایی در تأثیر نهادن بر تصمیم گیری های عمومی می داند. به طور کلی طبق مطالعات انجام گرفته، همبستگی قوی بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی مشارکت وجود دارد، یعنی هر چه فرد در طبقه بالاتری از سلسله مراتب قرار گرفته باشد، درجه مشارکت بالاتری دارد (پیشه ور، 1376: 236).

بر اساس نظر دورکیم، هنگامی که شهروندان نسبت به محیط اجتماعی خود احساس تعلق نمایند، شرایط لازم برای تعلق اجتماعی، اخلاقی فراهم می شود و با افزایش تعلق اجتماعی، مشارکت اجتماعی نیز افزایش می یابد (علوی تبار، 1379: 18). لورنر معتقد است که با گسترش نهادهای مشارکتی و عضویت در بخش های مختلف جامعه، بر همدلی آن ها افزوده و این همدلی موجب درک احساس و توانمندی دیگران شده و مشارکت اجتماعی و فرهنگی را به دنبال دارد (سیف زاده، 3137: 117).

هانیتگون و نلسون بر تأثیر متغیر تحصیلات در مشارکت تأکید نموده و بیان کرده است که عضویت فرد در گروه ها و سازمان ها، مشارکت در فعالیت های اجتماعی و فرهنگی را بیش تر می کند (علوی تبار، 1379: 49).

راجرز که از پژوهشگران رویکرد توسعه گرا و کارکردی محسوب می شود، در تحلیل دلایل ضعف مشارکت، به عناصری موسوم به «خرده فرهنگ دهقانی» اشاره می کند. عناصری نظیر عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی، فقدان نوآوری و تقدیرگرایی و نظایر آن ها.... (ازکیا، 1377: 115). به اعتقاد او وجود چنین عناصری امکان تحقق مشارکت را بر طرف می سازد. بنابراین برای ایجاد مشارکت باید در چنین عناصر فرهنگی دستکاری کرد.

توسلی (1382) در کتاب «مشارکت اجتماعی در شرایط آنومیکی» بحث مشارکت را با آسیب ها و انحرافات اجتماعی در رابطه قرار داده، بروز آسیب ها و انحرافات اجتماعی متعدد در جامعه را نتیجه عدم مشارکت اجتماعی می داند. به زعم وی درجه مشارکت اجتماعی افراد، خانواده ها، قشرها و گروه های مختلف یک جامعه (به ویژه سازمان ها و نهادهای اجتماعی) در تداوم حیات یک جامعه و رشد و نوسازی آن عاملی است بنیادی که می تواند تسهیل کننده یا باز دارنده حرکت نوسازی جامعه باشد (توسلی، 1382: 13). بنابراین وی مشارکت را عامل مهم در نوسازی جامعه تلقی می کند.

اوکلی با ارائه تفاسیر متعددی از مفهوم مشارکت به نقش مؤثر آن در روند توسعه جامعه تأکید نموده است. به نظر وی، مشارکت با استفاده از کمک داوطلبانه اجتماعی و بهره گیری از منابع داخلی در جهت تحقق توسعه و کاهش هزینه های آن مؤثر است (بوکلند، 1998: 2).

دورتی اسمیت از دیدگاه انتقادی فعالیت های تحقیقاتی و عملی زنان را بیش تر ناشی از بی توجهی جامعه شناسی رسمی نسبت به تجربیات و علایق زنان می پندارد (به نقل از ریتزر، 1374). جامعه

شناسان کلاسیک به عنوان دانش توجیه کننده نابرابری، بین زن و مرد، تغییر و تحول نظام حاکم را پیش زمینه ایجاد مشارکت می‌دانند (ابوت و والای، 1376: 24). **رونالد کالین** بیان می‌کند که مشارکت در توسعه، هنگامی معنای واقعی و کامل خود را باز می‌یابد که در مکانیسم های مرکزی حیات اجتماعی نفوذ کرده، بر تنظیم کارکرد زندگی اجتماعی تأثیر گذارد (colin, 1986: 60). پائلو فریر معتقد است مردمی که سرکوب شده یا به فرهنگ سکوت تنزل نموده‌اند، در انسانی کردن جامعه خود مشارکتی ندارند. بر عکس، زمانی که به مشارکت می‌پردازند فعالانه شروع به ساختن تاریخ تحقیقی خود نموده، در فرآیند توسعه اصیل ایفای نقش می‌کنند (گولت، 1995: 91-2).

پارادایم تعریف اجتماعی

در این پارادایم کنشگر اجتماعی به عنوان موجودی فعال و صاحب اراده و اختیار تعریف می‌شود و برای تبیین مشارکت اجتماعی و فرهنگی به زمینه‌های شناختی، نظام معانی، گرایش و تمایلات افراد توجه می‌شود. در این مدل اهمیت متغیرهای ساختی انکار نمی‌شوند. بلکه ارزش‌های فرهنگی پیش نیاز اساسی برای وصول به مشارکت اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شوند (لهسائی زاده، 1368: 138).

پارادایم رفتار اجتماعی

در این پارادایم مشارکت اجتماعی و فرهنگی به عنوان نوعی رفتار مورد مطالعه قرار می‌گیرد. رفتاری که صورت کاملاً عینی و خارجی داشته و تحت تأثیر محرک‌های بیرونی شکل می‌گیرد. نظر سیلز در این رسته قرار می‌گیرد. به نظر وی سه دسته متغیر نیروهای اجتماعی، تفاوت های شخصیتی و محیط‌های اجتماعی به شدت با یکدیگر مرتبط و به هم آمیخته هستند و هر تغییری در هر یک از آنها مشارکت را کاهش یا افزایش می‌دهد (محسنی تبریزی، 1369: 12).

پارادایم ترکیبی

این رویکرد معتقد است در تبیین واقعیت‌ها و فرایندهای اجتماعی باید نگاهی کل گرایانه داشت. به نظر گیدنز در حوزه علوم اجتماعی هم با ساخت و هم با عاملیت سرو کار داریم و نمی‌توان تقدم یکی بر دیگری را خیلی به وضوح مشخص نمود. وی بر عوامل ساختاری و عامل فعال انسانی در پویای توسعه و مشارکت تأکید داشته است. به نظر ساموئل موشی برای بسط و گسترش مشارکت در آغاز ضرورت دارد روحیه دموکراسی نهادی شود و پیش شرط های نهادی شدن مشارکت را در ایدئولوژی مشارکتی، نهادهای مشارکتی، اطلاعات کافی، منافع فنی و مادی مناسب می‌داند (موشی، 1986: 284).

فرضیات تحقیق

- 1- بین عضویت در تشکلهای و میزان مشارکت دانشجویان دختر در فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی ارتباط وجود دارد.
- 2- بین میزان تحصیلات و میزان مشارکت دانشجویان دختر در فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی ارتباط وجود دارد.
- 3- بین وضعیت مشکلات اقتصادی و میزان مشارکت دانشجویان دختر در فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی ارتباط وجود دارد.
- 4- بین احساس تعلق اجتماعی و میزان مشارکت دانشجویان دختر در فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی ارتباط وجود دارد.

تعریف نظری و عملیاتی تحقیق

تعاریف نظری

مشارکت: به معنای شرکت داوطلبانه، ارادی و آگاهانه افراد، در گروهها و سازمانهای تشکیل دهنده یک جامعه در فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی.

مشارکت فرهنگی: شرکت داوطلبانه و آگاهانه افراد، گروهها و سازمانهای تشکیل دهنده یک جامعه در ابعاد گوناگون زندگی فرهنگی آن جامعه برای رسیدن به توسعه پایدار و همه جانبه زندگی فرهنگی. (کوثری، حسینی، 1379: 29).

مشارکت اجتماعی: مشارکت اجتماعی در معنای وسیع در بردارنده فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در قالب سیاستهای اجتماعی و مناسبات حیات اجتماعی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم گیری مربوط به امور عمومی (رضایی، 1375: 54).

میزان تحصیلات: همان مدارک و تخصص لازم که متناسب با توانایی و استعداد افراد به صورت اکتسابی حاصل می شود (رابینز، 1377: 134).

مشکلات اقتصادی: مشکلاتی که در شمار مشخص ترین موارد فقرند، مانند بی کاری و کم کاری، مزدهای پایین، نبودن پس انداز، کمبود مژمن پول و کمبود ذخیره مواد غذایی در خانه (ستوده، 1386: 97).

احساس تعلق اجتماعی: از نظر دورکیم به احساس تعهد و علاقه شهروندان نسبت به محیط اجتماعی و فرهنگی گفته می شود (علوی تبار، 1379: 18).

عضویت در تشکلهای: از نظر هانتینگتون و نلسون به عضویت فرد در گروهها و سازمانهای اجتماعی، اتحادیههای شغلی و صنفی و تشکلهای اشاره دارد (مصفا، 1375: 20).

تعاریف عملی

مشارکت: نمره‌ای که پاسخگویان در پرسشنامه از سؤال‌های مربوط به مشارکت اجتماعی و فرهنگی دریافت کردند، نمره زیاد حاکی از مشارکت زیاد است.

مشارکت فرهنگی: باسؤال‌هایی نظیر شرکت در گروه سرود، فعالیت‌های علمی، ادبی مورد آزمون قرار گرفت.

مشارکت اجتماعی: باسؤال‌هایی نظیر تلاش در جهت حل مشکلات مردم شهرما، خانه ما و غیره سنجیده می‌شود.

میزان تحصیلات: باسؤال‌هایی نظیر فوق دیپلم، لیسانس مورد آزمون قرار گرفت.

مشکلات اقتصادی: با سؤال‌هایی نظیر میزان درآمد، منطقه محل زندگی، شغل سرپرست خانواده در پرسشنامه مورد سنجش قرار گرفت.

احساس تعلق اجتماعی: با سؤال‌هایی نظیر احساس مسئولیت در حفظ محیط شهری، احساس تعلق همه امکانات آموزشی، تفریحی و فرهنگی موجود در شهر به خود در پرسشنامه مورد سنجش قرار گرفت.

روش تحقیق

نوع پژوهش: گردآوری و تحلیل اطلاعات مورد نیاز برای پژوهش در «بررسی عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی و فرهنگی دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور» با استفاده از روش اسنادی و بخش میدانی نیز با روش پیمایشی صورت گرفت. در روش اخیر، برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز که در این تحقیق نظریات دختران و زنان دانشجوی در باره مشارکت اجتماعی و فرهنگی که مورد نظر محقق بوده است، از تکنیک پرسشنامه استفاده شد. به منظور تهیه گویه‌ها و شاخص‌های مورد نیاز برای بررسی فرضیه‌های تحقیق، ابتدا با انجام دادن چندین مصاحبه با اندیشمندان و پژوهشگران حوزه مشارکت اجتماعی و فرهنگی و مسائل زنان از نظرها و دیدگاه‌های آنان مطلع شدیم و سپس با تحلیل محتوای منابع موجود در این زمینه به متغیرهای لازم دست یافتیم. پیش از آغاز کار پیمایش، پرسشنامه ابتدایی مورد «آزمون اولیه» قرار داده شد و با استفاده از نتایج به دست آمده، نقایص موجود بر طرف شد و پرسشنامه نهایی تنظیم گردید. در این تحقیق مقدار آلفای کرونباخ 70% می‌باشد و توسط نرم افزار SPSS محاسبه گردیده است که مقدار مناسبی جهت تایید پایایی پرسشنامه می‌باشد.

جامعه آماری

جامعه آماری این مطالعه را کلیه زنان و دختران دانشجوی دانشگاه پیام نور استان گیلان مرکز رشت تشکیل می‌دهد. چرا که شرایط تحصیل و سن آن‌ها، اصلی‌ترین شاخص برای مشارکت اجتماعی و فرهنگی تلقی می‌شود.

از آن‌جا که طبیعتاً امکان بررسی دیدگاه‌های تمامی افراد جامعه آماری وجود نداشت. از شیوه نمونه‌گیری برای بررسی نظریات افراد مورد مطالعه استفاده شد و بر اساس آن تعدادی از افراد که معروف جامعه آماری تشخیص داده شدند. به عنوان نمونه انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. در این تحقیق که حجم جامعه با N مشخص می‌گردد. حدود 3000 نفر می‌باشد که با 95 درصد اعتماد و با استفاده از فرمول کوکران حدود 200 نفر نمونه انتخاب شدند.

روش نمونه‌گیری

در این تحقیق از شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است. بدین معنا که با مراجعه به دانشگاه پیام نور رشت پرسشنامه در اختیار دانشجویان دختر و زن دانشگاه قرار داده شد و سپس بعد از تکمیل پرسشنامه توسط آن‌ها، جمع‌آوری گردید.

روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

در پژوهش حاضر پس از تکمیل پرسشنامه، داده‌های گردآوری شده، براساس مقیاس‌های اندازه‌گیری متغیرها کدگذاری شده و با نرم افزار spss پردازش و تجزیه و تحلیل شده‌اند. بعد از پردازش داده‌ها و شاخص بندی کردن آن‌ها جهت تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده با توجه به سطوح مختلف اندازه‌گیری فرضیه‌های تحقیق از روش‌های مختلف آماری استفاده شده است. روش‌های مذکور شامل روش توصیفی مانند، درصد، فراوانی، میانگین و میانه و در روش استنباطی از آزمون همبستگی پیرسون و آزمون تفاوت میانگین‌ها استفاده شده است. این روش‌ها عمدتاً جهت سنجش ضرایب همبستگی بین گویه‌ها و مقیاس‌ها و تحلیل روابط بین متغیرها و نیز استنتاج مفاهیم نظری بکار می‌رود.

یافته‌ها

در مقاله حاضر، فرضیه‌های اصلی را در ارتباط بین سطح تحصیلات، مشکلات اقتصادی، تعلق اجتماعی و عضویت در تشکل‌ها و نهادهای اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفته‌ایم. که این فرضیه‌ها رابطه میان متغیرهای عنوان شده را با میزان مشارکت اجتماعی و فرهنگی دانشجویان می‌سنجد. شاخص‌های توصیفی مرکزی و پراکندگی متغیرهای مستقل و میزان مشارکت اجتماعی و فرهنگی در این تحقیق اندازه‌گیری شد.

توزیع نمونه آماری برحسب تحصیلات نشان می دهد که بین 200 نفر بیشترین فراوانی با 193 نفر یعنی 96/5 درصد دارای مدرک کارشناسی و 4 نفر یعنی 2 درصد دارای مدرک کاردانی می باشد. داده های به دست آمده نشان می دهد که سطح تحصیلات دانشجویان بر میزان مشارکت آن ها در فعالیت های اجتماعی و فرهنگی تأثیر معنادار ندارد و کسانی دارای مشکلات اقتصادی هستند، میل و رغبتی به مشارکت از خود نشان نمی دهند. یعنی بین مشکلات اقتصادی و میزان مشارکت پاسخ گویان رابطه معناداری وجود دارد.

بین دو متغیر احساس تعلق اجتماعی و میزان مشارکت دانشجویان در فعالیت های اجتماعی و فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد به این معنی که با افزایش احساس تعلق اجتماعی، میزان مشارکت دانشجویان نیز افزایش می یابد. عضویت در تشکلهای اجتماعی بر میزان مشارکت دانشجویان در فعالیت های اجتماعی و فرهنگی تأثیر معنادار دارد.

بر اساس نتایج به دست آمده، بیشترین نمره معنی داری (0/003) در حیطه مشارکت اجتماعی و فرهنگی و مشکلات اقتصادی و کمترین نمره معنی داری را (0/001) تعلق اجتماعی، عضویت در تشکلهای به دست آورده است.

بررسی فرضیه های آزمون

جدول شماره (1-1): بررسی رابطه بین تحصیلات و میزان مشارکت پاسخگویان

sig	df	مقدار t	Mean	N	میزان مشارکت تحصیلات
0/27	195	1/08	37/50	4	کاردانی
			34/19	193	کاشناسی

در جدول فوق بررسی رابطه میان تحصیلات و میزان مشارکت پاسخگویان نشان داده شده است. طبق داده های جدول برای بررسی این دو متغیر تحصیلات و میزان مشارکت از آزمون T.test استفاده شده و با توجه به سطح معناداری 0/27 که از 0/05 بیش تر می باشد. بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود ندارد پس محقق در این سؤال به این نتیجه می رسد که بین تحصیلات پاسخگو و میزان مشارکت وی ارتباط معناداری وجود ندارد.

جدول شماره (1-2): بررسی رابطه میان مشکلات اقتصادی و

میزان مشارکت پاسخگویان

مقدار پیرسون	سطح معناداری	جمع
0/212	0/003	195

جدول فوق بررسی رابطه بین مشکلات اقتصادی و میزان مشارکت پاسخگویان را نشان می‌دهد. طبق داده‌های جدول که از آزمون پیرسون به دست آمده و مقدار سطح معناداری 0/003 که کمتر از 0/05 می‌باشد. بین دو متغیر مشکلات اقتصادی و میزان مشارکت رابطه معنادار وجود دارد. یعنی مشکلات اقتصادی بر میزان مشارکت پاسخگویان تاثیرگذار بود.

جدول شماره (1-3)

مقدار پیرسون	سطح معناداری	جمع
0/269	0/001	197

جدول فوق رابطه احساس تعلق اجتماعی و میزان مشارکت پاسخگویان را نشان می‌دهد طبق داده جدول و مقدار پیرسون و سطح معناداری (sig = 0/001) که کمتر از 5% می‌باشد. پس بین دو متغیر احساس تعلق اجتماعی و میزان مشارکت رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (1-4): بررسی رابطه میان عضویت در تشکل‌ها و

نهادهای اجتماعی و فرهنگی و میزان مشارکت پاسخگویان

مقدار پیرسون	سطح معناداری	جمع
0/289	0/001	196

جدول فوق بررسی رابطه بین عضویت در تشکل‌ها و نهادهای اجتماعی و فرهنگی و میزان مشارکت پاسخگویان را نشان می‌دهد. طبق داده‌های جدول که از آزمون پیرسون بدست آمده و مقدار سطح معناداری 0/001 که کمتر از 0/05 می‌باشد بین دو متغیر عضویت در تشکل‌ها و نهادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و میزان مشارکت پاسخگویان رابطه معنادار وجود دارد. یعنی با عضویت در تشکل‌ها و نهادهای اجتماعی و فرهنگی میزان مشارکت دانشجویان افزایش خواهد یافت.

نمودار توصیفی

شماره (1) شاخص توصیفی مرکزی و پراکندگی میزان مشارکت اجتماعی

12/6	میانگین
13	میانه
12	مد
2/4	واریانس
8	حداقل
15	حداکثر

جدول فوق توزیع فراوانی میزان مشارکت اجتماعی پاسخگویان نشان داده شده طبق داده‌های جدول 10/7 درصد پاسخگویان به میزان کم مشارکت دارند، 58/2 درصد در حد متوسط و 31/6 درصد در زیاد مشارکت اجتماعی دارند، مقدار میانگین این جدول 12/6 و مقدار میانه 13 می باشد.

شماره (2) شاخص توصیفی مرکزی و پراکندگی میزان مشارکت فرهنگی

9/4	میانگین
10	میانه
9	مد
5/8	واریانس
4	حداقل
15	حداکثر

جدول فوق توزیع فراوانی میزان مشارکت فرهنگی پاسخگویان نشان داده شده طبق داده‌های جدول میزان مشارکت فرهنگی 23/50 درصد در حد کم، 67/3 درصد در حد متوسط و 9/2 درصد در حد زیاد می باشد. این متغیر با میانگین 9/4 و میانه 10 و مد 9 می باشد.

شماره (3): شاخص توصیفی مرکزی و
پراکندگی احساس تعلق اجتماعی

16/2	میانگین
16	میانه
16	مد
2/9	واریانس
10	حداقل
20	حداکثر

جدول فوق توزیع فراوانی احساس تعلق اجتماعی پاسخگویان نشان داده شده طبق داده های جدول 5/1 درصد پاسخگویان در حد کم، 50/2 درصد در حد متوسط و 44/7 درصد در زیاد احساس تعلق اجتماعی دارند، مقدار میانگین این جدول 16/2 و مقدار میانه 16 می باشد

شماره (4): شاخص توصیفی مرکزی و
پراکندگی عضویت در تشکل ها و نهادها

4/7	میانگین
5	میانه
4	مد
4/2	واریانس
1	حداقل
10	حداکثر

جدول فوق توزیع فراوانی میزان عضویت در تشکل ها و نهادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می باشد. طبق داده های جدول 4-2 میزان عضویت پاسخگویان در تشکل ها و نهاد ها 20/2 در صد در حد کم، 73/9 درصد در حد متوسط، 5/8 درصد در حد زیاد می باشد.

نتایج تئوریک و بحث

نتایج تئوریک این پژوهش در قالب نتایج مربوط به عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی و فرهنگی دانشجویان مقوله بندی شده است و در این بخش تئوری های مربوطه، نتایج مطالعات پیشین و نتیجه این مطالعه آورده شده و مورد بحث و بررسی قرار گرفته است که در ذیل به هریک از آنها پرداخته می شود.

رابطه میان احساس تعلق اجتماعی و مشارکت اجتماعی

دورکیم در نظریات خود اشاره می کند که هنگامی شهروندان نسبت به محیط اجتماعی احساس تعلق نمایند. شرایط لازم برای رفتار اجتماعی و فرهنگی فراهم می شود و با افزایش تعلق اجتماعی، مشارکت اجتماعی و فرهنگی نیز افزایش می یابد هم چنین میل برات نیز محیط اجتماعی و تعلق خاطر به آن را در افزایش میزان مشارکت اجتماعی و فرهنگی مطرح می کند. نتایج مطالعات توسلی (1380) نیز هم سو با نظریه دورکیم می باشد.

نتیجه مطالعه حاضر نیز براساس تئوری دورکیم و میل برات، باتوجه به سطح معنا داری آزمون پیرسون (0/001) نشان می دهد که بین احساس تعلق اجتماعی و مشارکت اجتماعی و فرهنگی رابطه معنا داری وجود دارد و هر چه احساس تعلق اجتماعی فرد بیش تر باشد، میزان مشارکت او بالا می رود. بنابراین نتیجه مطالعه حاضرهم سو با تئوری دورکیم و میل برات و مطالعه پیشین است.

رابطه میان عضویت در تشکل ها و مشارکت اجتماعی و فرهنگی

لیپت و لریز معتقدند که با گسترش نهادهای مشارکتی و عضویت افراد در این تشکل ها و فعالیت در بخش های مختلف جامعه احتمال مشارکت در فعالیت های اجتماعی و فرهنگی را بیش تر می کند. (رضایی، 1375: 56) دیافتی زاده (1382) و مطالعات محسنی (1374) رابطه فوق را مورد تأیید قرار داده اند.

نتیجه مطالعه حاضر نیز با توجه به سطح معنا داری آزمون (95%) وجود رابطه بین عضویت در تشکل ها و نهادهای اجتماعی و فرهنگی را تأیید می کند.

رابطه میان مشکلات اقتصادی و میزان مشارکت اجتماعی و فرهنگی

از دیدگاه جامعه شناسانی مانند هانتینگتون و لیپت، تملک خانواده بر امکانات مادی و رفاهی بیش تر فرصت اعمال و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی گوناگون را برای فرزندان تسهیل می کند و سپس همیاری و مشارکت آنان را در زمینه فرهنگی و اجتماعی فراهم می کند و به طور کلی طبق مطالعات انجام گرفته پیشین توسط عنبری (1377) رابطه قوی بین پایگاه اقتصادی و مشارکت اجتماعی و فرهنگی وجود دارد.

داده های به دست آمده در این تحقیق نشان می دهد که بین مشکلات اقتصادی و میزان مشارکت پاسخگویان رابطه معناداری وجود دارد و کسانی که دارای مشکلات اقتصادی هستند. میل و رغبتی به مشارکت از خود نشان نمی دهند.

رابطه میان میزان تحصیلات و مشارکت اجتماعی و فرهنگی

طی مطالعات و نتیجه گیری‌های لرنر سواد یکی از ابزار و وسیله صعود به سوی مشارکت اجتماعی و فرهنگی است و با افزایش تحصیلات و آگاهی مردم میزان مشارکت آنان روند صعودی پیدا می‌کند. نتیجه مطالعات پیشین مک نیل رامونا (Ramona و 2005) نیز هم سو با نظریه لرنر می‌باشد. اما داده‌های به دست آمده در این تحقیق نشان می‌دهد که سطح تحصیلات دانشجویان بر میزان مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی تأثیر معنا دار ندارد.

نتیجه کلی

در یک نظام مرد سالاری، عدم مشارکت زنان در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی، بیش از هر چیز به نفع مردانی تمام می‌شود که در شکل بندی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه نقش مسلط را ایفا می‌کنند. لازمه افزایش مشارکت زنان، بازسازی این مناسبات و حرکت به سمت نوعی قوانین تسهیل کننده برای حضور زنان در تمامی فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. پس:

- 1- با تقویت حس همبستگی و تعلق اجتماعی در بین دانشجویان دختر به افزایش میزان مشارکت کمک خواهد شد.
- 2- با توضیح و تشریح اجر معنوی مشارکت، آنان را به عضویت در تشکل‌ها و نهادهای فرهنگی و اجتماعی سوق دهیم.

راهکارها و پیشنهادهای تحقیق

پدیده‌های اجتماعی نه خلق الساعه هستند که یک شبه به وجود بیایند و نه انفرادی که بتوان آن‌ها را به صورت مجزا و جدای از هم مورد مطالعه و بررسی قرار داد. این پدیده‌ها به گفته ژرژ گورویچ و مارسل مس (یک پدیده اجتماعی تام) است که بایستی در کلیتی در ارتباط با سایر پدیده‌ها مورد بررسی واقع گردد. از این رو تلاش برای فهم این پدیده وسیعی در علاج آن نیازمند استفاده دقیق از مدل‌های علمی است و نمی‌توان به صورت عوامانه به ریشه‌یابی و حل مسایل پرداخت. وقتی سخن از مشارکت مردم است، نمی‌توان با تاسی به یک مدل مکانیکی و تک عاملی به تحلیل و درمان آن پرداخت. برای توسعه مشارکت اجتماعی و فرهنگی نیاز به زمان و ایجاد زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی است و باید بسترها و زمینه‌های مشارکت جامعه فراهم گردد. با وجود این، ذیلا راهکار و پیشنهادهایی به عنوان راه حل و به منظور افزایش مشارکت آورده می‌شود.

1. ایجاد نگرش مثبت به مشارکت اجتماعی و فرهنگی و جلب اعتماد عمومی نسبت به مسئولان و در سطحی دیگر ایجاد اعتماد شهروندان.

2. واگذاری برخی از مسؤولیت‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری در برخی از امور به زنان و دختران تحصیل کرده جامعه.
3. با توجه به تأثیر عضویت در نهاد و تشکل‌های اجتماعی و فرهنگی بر بالا بردن میزان مشارکت دانشجویان پیشنهاد می‌شود که فضای مناسبی برای رشد، نهادهای فرهنگی و تشکل‌های اجتماعی فراهم گردد، تا دانشجویان بتوانند بدون هرگونه مشکلی در فعالیت‌های مختلف مشارکت داشته باشند.
4. با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش باید زمینه‌های مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی را چنان فراهم کرد که افراد بدون توجه به مشکلات اقتصادی، در هریک از فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی مشارکت داشته باشند.

منابع

- آبراهامسون، پل. (1383). **مشارکت سیاسی**. ترجمه: نسرین طباطبایی. در کتاب *مارتین لیپست* (زیر نظر) *دائرالمعارف دموکراسی*، ترجمه به سرپرستی کامران فانی و نوراله مرادی. تهران: کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه: 1241 تا 1250.
- ابوت، پاملا. والاس، میشل. (1376). **در آمدی بر جامعه شناسی نگرش‌های فمینیستی**. ترجمه: مریم خراسانی، حمید احمدی. تهران: انتشارات صنوبر
- ازکیا، مصطفی. (1377). **جامعه شناسی توسعه**. تهران، نشر کلمه
- بیرو، آلن. (1366). **فرهنگ علوم اجتماعی**. ترجمه: باقر ساروخانی، تهران. کیهان
- پیشه ور، احمد. (1374). **جامعه شناسی سیاسی**. تهران، انتشارات دوران.
- توسلی، غلامعباس. (1382). **مشارکت اجتماعی در شرایط آنومی**. تهران، موسس چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- خلیلی، محسن. (1386). **آسیب شناسی مشارکت زنان در جامعه معاصر ایران**. در فصلنامه پژوهش زنان، دوره 5، شماره 2، پاییز 1386: 165-186.
- رسول زاده، بهزاد و فروزنده سجانعلی. (1380). **بررسی علل کاهش مشارکت مردم استان اردبیل در هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری**، استان اردبیل.
- ریتزر، جورج. (1374). **نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر**. ترجمه: محسن ثلاثی. انتشارات علمی
- رضایی، عبدالعلی. (1375). **مشارکت اجتماعی، هدف یا ابزار توسعه**. ماهنامه اطلاعات سیاسی و : 109-110، تهران، موسسه اطلاعات

زاهدی، شمس السادات. (1383). ارتقای مشارکت زنان در سطح مدیریتی. در کتاب: نجفقلی حبیبی. (کوشش و گردآوری)، مجموعه مقالات همایش مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اسلامی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، 133 تا 97.

ستوده، هدایت الله. (1386). جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران. تهران، نشر ندای آرینا
سیف زاده، حسن، (1374). نظریه‌های مختلف درباره راه‌های گوناگون نوسازی و
دگرگونی‌های سیاسی. تهران: انتشارات قومس.

صمدی راد، انور. (1383). مکانیسم های ارتقای مشارکت زنان در ابعاد سیاسی و
اقتصادی. فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره 21: 99-121.

علوی تبار، علیرضا. (1379). بررسی الگوی مشارکت شهروندان در ادراه امور شهرها.
تهران. انتشارات سازمان شهرداری های کشور.

عفتی، محمد. (1371). بررسی عوامل موثر در مشارکت روستائیان در طرح‌های توسعه
روستایی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

غفاری، نیازی. (1385). جامعه شناسی مشارکت، نشر نزدیک، چاپ اول

کوثری. (1379). مشارکت فرهنگی، تهران، انتشارات آن

لهسایی زاده، عبدالعلی. (1368). تحولات اجتماعی در روستاهای ایران، نوید، شیراز.

محسنی، منوچهر. (1374). بررسی زمی‌نه های مشارکت روستائیان و ارتباط آن با ترویج
کشاورزی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی و وزارت جهاد سازندگی.

محسنی تیریزی، علیرضا. (1375). بیگانگی، مانعی برای مشارکت و توسعه ملی. تهران، نامه
پژوهش سال اول، شماره یک.

مصفا، نسرين. (1375). مشارکت سیاسی زنان، دفتر مطالعات وزارت امور خارجه، تهران،
موسسه چاپ و انتشارات قائم.

هانتینگتون، ساموئل. (1370). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگون، ترجمه: محسن
ثلاثی، تهران، نشر علم.

BuckLand,jerry. (1998). **From ReLief and Deve Lopment to assisted self ReLiance:**
Nongovernaental organization in Bang Ladesh.

-
- colin ,Ronald. (1986). **the institutionalization of participation in development, in, unesco document 328 STR**, pp.59-120.
- GouLet,Denis. (1995). **participation in DeveLopment Ethics, A Guide to theory and practice**, London, ned books Ltd.
- Henderson, trang T.,phd.,university of Washington. (2004). **crossing cultural prticipation borders: Vietnamese students in amerrican science classroom**, extracted from: <http://proquest.umi.com>
- Lerner , DaniaL. (1964). **the passing of traditional socioty modernizeing thy middle east**. new york : free press.
- MUSHI,SAMUL. (1986). **INSTITUTIONALIZATION OF PPULAR PARTICIPATION " IN WORLD DEVELOPMENT** ,PARIS : UNESCO
- MacNeaL. Ramona s.,ph. D, kent state unirer sity, **the interent and political participation extracted From:** <http://proquest.umi.com>.
- noble,trevor. (2000). **social theory and social change** ,new York :palgave.